تحلیل انتقادی مدخل امام «علی علیه‌السلام» در دائرةالمعارف قرآن لایدن و بررسی میزان هم‌آوایی آن با مکتوبات اسلامی و استشراقی ـ علی محمدی آشنانی، کیوان احسانی، زهرا قطبی
علمی- پژوهشی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال نوزدهم، شماره ۷۳ «ویژه پژوهش‌های قرآنی»، زمستان ۱۴۰۰، ص ۳۷-۶۴

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

تحلیل انتقادی مدخل امام «علی علیه‌السلام» در دائرةالمعارف قرآن لایدن و بررسی میزان هم‌آوایی آن با مکتوبات اسلامی و استشراقی

علی محمدی آشنانی*
کیوان احسانی**
زهرا قطبی***

چکیده: مدخل امام «علی علیه‌السلام» در دائرةالمعارف قرآن لایدن، توسط «علی‌سلطان آسانی»؛ مسلمان اهل سنت اهلِ نایروبی، به نگارش درآمده است. این مدخل، ضمن گزارشِ درست برخی مطالب، همچون؛ برخورداری امام علی علیه‌السلام از مقام امامت و علم باطنی، حاوی نکات نادرستی، چون نسبت‌دهی رهبری صوفیه به آن حضرت، نیز از وجود نام و فضایل امام علی، در متنِ مصحف حضرت علی علیه‌السلام و انتساب برنتافتن مصحف عثمانی از سوی شیعیان تا قرن چهارم، است.

پژوهه حاضر، با روش توصیفی- تحلیلی، به بررسی و تحلیل رویکرد و مطالب این مدخل پرداخته و بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات، صحت و سقمِ آن را، باز نمایانده است و میزان هم‌آوایی آن را با منابع و مکتوبات شیعی، اهل‌سنت و مستشرقان، آشکار ساخته‌است. یافته‌های تحقیق، نشانگر آن است که نویسنده، گرچه در بیانِ برخی مطالب، جانب واقعیت را پاس داشته، اما در پاره‌ای از موارد، دچار چالش‌هایی همچون عدم جامعیت، اختصارگویی زیان‌آور، شناساندنِ

*. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآن (نویسنده مسئول)
dr.mohammadi.quran@gmail.com
**. استادیار دانشگاه اراک
k-ehsani@araku.ac.ir
***. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک
ghotbizahra@gmail.com

امام‌علی علیه‌السلام به پیشوایی باطنیه و متصوفان و.... شده است. این مدخل امام علی علیه‌السلام، با مدخل‌های دیگر لایدن و مکتوباتِ مستقل استشراقی، دارای هم‌آوایی و ارجاعات فراوان به آنها است؛ ولی بر خلاف انتظار، به هیچ یک از منابع روایی، تفسیری و تاریخی شیعه، ارجاعی ندارد و هم‌آوایی خاصی با منابعِ معتبر اهل‌سنت نیز در آن، مشهود نیست.

کلیدواژه‌ها: دائرةالمعارف قرآن لایدن؛ امام علی علیه‌السلام؛ علی‌سلطان آسانی؛ مستشرقان؛ مکتوبات استشراقی؛ قرآن و روایات.

۱. مقدمه

دائرةالمعارف لایدن، یکی از متون و مکتوبات استشراقی مورد توجه خاورشناسان و مسلمانان به زبان انگلیسی است که زمان تقریبی نگارش آن از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ میلادی بوده است. این دائرةالمعارف در هلند، توسط جین دمن مک‌اولیف و با همراهی هیئت مشاوران ارشدی از مستشرقان روشنفکر، همانند نصرحامد ابوزید، محمدآرکون، جرالدهاوتینگ، آنجلی‌کانیوورت، ویوری‌رابین از دانشگاه تل‌آویو، با هدف پدیدآوردن بهترین یافته‌های قرآنی، در مدخل‌های گوناگون، در پنج جلد، تدوین و ارایه شده و برخی از مدخل‌های آن، به زبان فارسی ترجمه شده است. از آغاز انتشار دائرةالمعارف‌های مستشرقین همچون لایدن، نقد و بررسی‌های متعددی پیرامون مباحث مطرح شده توسط مستشرقین صورت گرفته‌است که میزان هم‌آوایی مقالات آنان با کتب اولیه مستشرقین و منابع اهل‌سنت، عدم جامعیت، فقدان معیار و مؤلفه‌های متقن پژوهشی، عدم بررسی همه‌جانبه تمامی متون برجسته و تاثیرگذار اسلامی همچون متون شیعی و روایات اهل‌بیت، اعتماد بر برخی منابع و چشم‌پوشی از بررسی منابع متقن دیگر و رقیب، سویه‌گیری و پیش‌فرض‌های نادرست در آن را نشان می‌دهد و رخنه و چالش‌های مطالب آن را آشکار ساخته‌است؛ اما تاکنون پژوهشی در بررسی و تحلیل انتقادی مدخل امام علی دائرةالمعارف لایدن، صورت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

نگرفته‌است. البته در مورد مدخل امام‌علی دایرةالمعارف اسلام، دو مقاله با عنوان‌های «بررسی و نقد مدخل امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام دایرةالمعارف اسلام (EI)»، «نقد و بررسی مقاله «علی بن‌ابی‌طالب» دایرةالمعارف اسلام، نگاشته شده است، نیز «مدخل علی ابن ابی‌طالب» دایرة المعارف الیور لیمن، مورد بررسی قرار گرفته است که با این مقاله تشابه اسمی و تفاوت ماهوی دارد.

این مقاله پاسخ به دو پرسش را مدنظر قرار داده است: ۱. نویسنده مدخل، چه میزان از آیات و روایات را در مورد حضرت علی علیه‌السلام انعکاس داده‌است؟ ۲. میزان هم‌آوایی و تأثیرپذیری این مدخل از منابع اسلامی- استشراقی تا چه میزان است؟

۲. بدنه اصلی

۲-۱. معرفی نویسنده مدخل؛ علی سلطان آسانی

پروفسور علی‌سلطان آسانی متولد ۱۹۴۵ در نایروبی کنیا، از طائفه سند است. وی پس از گذراندن دوره دبیرستان در کنیا، به کالج هاروارد عزیمت و در سال ۱۹۷۷ نخستین مدرک خود را دریافت نمود و با ادامه تحصیلات خود در آن دانشگاه، در گروه زبان‌ها و تمدن‌های خاور نزدیک (NELC)، در سال ۱۹۸۴ دکترای خود را دریافت کرد. وی از سال ۱۹۸۳ در همان دانشگاه به تدریس پرداخت. از آن زمان تاکنون وی با تصدی مقام ریاست دکترا NELC فرهنگ هندی اسلامی را مدیریت می‌نماید. وی به‌مباحث دین، ادبیات، هنر در فرهنگ‌های مسلمان، صدای مسلمانان در ادبیات معاصر جهان، آشنایی با تصوف، تاریخ و اندیشه اسماعیلی، سنت‌های فدائی شیعه، صوفیان، شکل‌های عامیانه از زندگی فداکارانه مسلمانان و جوامع آنان، علاقه‌مند است. برخی از آثار و کتاب‌های وی در دانشگاه هاروارد شامل؛ مجموعه ادبیات اسماعیلی، تجلیل از محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، تصاویر پیامبر در شعر فدائی مسلمان و جدیدترین اثر وی، سنت ادبیات صوفیان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

در سند است. وی مقالات متعددی در ژورنال‌ها و دائرةالمعارف فولکور، دائرةالمعارف آکسفورد، دائرةالمعارف لایدن، دائرةالمعارف آسیای جنوبی و مسلمان المناک از دنیای مدرن اسلامی را به نگارش درآورده است. آسانی همچنین به عنوان مشاور عضو هیئت تحریریه دائرةالمعارف آکسفورد جهان اسلام و دائرةالمعارف اسلام در ایالات متحده، بوده‌است. پس از ۱۱ سپتامبر، وی به طور ویژه، در دبیرستان‌ها، برای معلمان و اساتید دانشگاهی، کارگاه‌های آموزشی شناخت اسلام و نقش دین در جوامع اسلامی را برگزار نموده است. پروفسور آسانی به دلیل مشارکت برجسته خود در بهبود روابط بین فرهنگی و نژادی در دانشگاه هاروارد و ملت، مدال بنیاد هاروارد را دریافت نمود و اخیراً به دلیل تعالی در تدریس، جایزه پتراسی‌شاتوکِ بخش تحصیلات دانشگاه هاروارد را به دست آورد.

(https://scholar.harvard.edu/aliasani/classes)

۲-۱-۱. مدخل امام «علی علیه‌السلام» دایرةالمعارف

موضوع مدخل امام‌علی علیه‌السلام، همان‌گونه که از نام آن پیداست، شناساندن یکی از چهره‌های برجسته اسلام و تشیع، در دائرةالمعارف لایدن است که در دو صفحه و به اختصار، تدوین یافته است. در این مدخل جایگاه امام علی علیه‌السلام به‌عنوان امام، امامت فرزندان آن حضرت در نگاه شیعه، مقام باطنی و مصحف آن حضرت و ویژگی‌هایش و نیز از نگرش شیعیان به مصحف عثمانی، به اختصار سخن گفته شده است. این مدخل، توسط حسن رضایی هفتادر، به زبان فارسی، ترجمه و در مجموعه ترجمه شدهٔ دایرةالمعارف لایدن چاپ گردیده‌است. به گمان برخی از پژوهشگران، «مدخل علی علیه‌السلام در دائرةالمعارف قرآن لایدن، علی‌رغم اختصار، مقاله‌ای به جد، خوب و بدون اشکال است؛ به‌طوری که جای تقدیر و تشکر از علی آسانی در این زمینه وجوددارد. (زمانی، ۱۳۹۵: ۴۹۳) نگارندگان این پژوهه نیز بر آن هستند که

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

مدخل علی‌علیه‌السلام، گر چه با پرهیز از سویه‌گیری و یک جانبه‌گرایی، تا حدودی، جانب حقیقت را رعایت نموده است، ولی دچار چالش‌هایی نیز هست که باید مورد تحلیل و نقادی قرار گیرد:

۲-۲. خوانش محتوای مقاله

نگارنده مدخل، آسانی، بنابر سنت دائرةالمعارف نویس‌ها، آغاز مطلب خویش را با ذکر نام و نسب و نسبت آن حضرت شروع می‌نماید و آن حضرت را به عنوان داماد پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله معرفی نموده‌است، و به اجمال، به برخی ویژگی‌های امام علی؛ همچون اولین مسلمان، شجاعت، پرهیزگاری، دارای دانش عمیق نسبت به قرآن و سنت، اشاره می‌کند. وی صرفاً با ذکر عبارتی گذرا، عقیده شیعه به امامت آن حضرت را تحت عنوان با استناد به «نصوصی از آیات و روایات» به مشروعیت امامت ایشان بعد از رحلت پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله پرداخته و به این نکته اشاره می‌کند که این منصب توسط برخی از صحابه غصب گردیده است. او در این راستا، به محتوای روایاتی همچون حدیث غدیر نیز اشاره نموده است. آسانی به یکی از وظایف امامت که حفظ و نگهداری از آیات الهی است اشاره می‌نماید ولی بدون توجه به شهادت امام علی، که دارای بار معنایی مرگ طبیعی آن حضرت‌علیه‌السلام است، صرفا به ذکر این مطلب می‌پردازد که بعد از «درگذشت وی، فرزاندنش به امامت رسیدند.» آسانی بدون ذکر ظلم حاکمان وقت به اهل‌بیت‌علیهم‌السلام، با اشاره‌ای گذرا به این مطلب بسنده می‌کند که: «به خاطر ظلم و ستم حاکمان سنی رقیب، فقط تعداد اندکی از آنان توانستند مطابق جایگاه خود اعمال قدرت کنند» وی بدون واکاوی علمی عمیق در این زمینه و توجه به خاستگاه تصوف و بدون در نظر داشتن موضع اهل‌بیت نسبت به تصوف، صرفاً با نگاه عرفی که در این زمینه وجود دارد، حضرت را به عنوان شخصیتی برجسته در سنت‌های باطنی اسلامی از جمله تصوف، معرفی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

می‌نماید. (آسانی، ۲۰۰۱: ۶۲/۱)

نویسنده اعتقادات شیعه را نسبت به قرآن، به عنوان مصحفی واحد، در تطور زمان، متفاوت می‌داند وی در ابتدا و همسو با نگاه عرفی سایر مستشرقین معتقد است که شیعیان در ابتدا قائل به‌این مسئله می‌باشند که علی علیه‌السلام نسخه معتبری از قرآن را در اختیار داشته که مخالفان سیاسی‌اش آن را کنار نهادند و در عوض نسخه‌ای رسمی را رواج دادند که توسط رقیب او عثمان خلیفه سوم صادر شده‌بود و از مصحف عثمانی، آیاتی که حاوی نام علی علیه‌السلام و دیگر افراد اهل‌بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به‌عنوان رهبران امت اسلامی بود حذف گردید و مصحف علی علیه‌السلام به‌صورت مخفیانه به امامان بعدی منتقل شد که مندرجات آن در زمان ظهور امام دوازدهم، بر جهانیان آشکارمی‌گردد. آرای شیعیان در قرن چهارم همزمان با تأیید صحت اعتبار رسمی مصحف عثمانی توسط علمای شیعه نسبت به ماهیت مصحف علی علیه‌السلام تغییر یافت و شیعیان، قائل به‌این شدند که مصحف علی علیه‌السلام در عین مصون ماندن از تحریف به زیاده، سوره‌ها و آیات را بر اساس ترتیب اصلی نزول عرضه می‌دارد و شامل تفسیرهای امام علی علیه‌السلام است و آنچه که امامان به یکدیگر، منتقل نمودند، نظم و ترتیب اصلی نزول سور و تفسیرهای علی علیه‌السلام در رابطه با آیات است. علی آسانی در انتها به علم تأویل قرآن علی علیه‌السلام و فرزندانش اشاره‌می‌نماید و این که آنان با در اختیار داشتن علم باطنی وحی، توانایی آن را دارند که مؤمنان را به درک صحیح‌تر و قابل فهم‌تری از هدایت خداوند رهنمون سازند و در راستای این اعتقاد، شیعه، امامان خود را عالی‌ترین مرجع تفسیر وحی الهی قلمدادمی‌کند که مشهور به قرآن ناطق می‌باشند و قرآن را «امام صامت» معرفی‌می‌نمایند. (همان:۶۳)

۲-۲-۱. نقاط قوت و قابل تحسین مدخل

مدخل از نقاط قوت بسیاری برخوردار است؛ از آن جمله: الف- ساختار منطقی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

توأم با نظم حاکم بر مباحث؛ ب- گزیده‌نویسی وگزارشی بودن مطالب؛ پ- نام بردن از برخی از ویژگی‌ها و فضیلت‌های حضرت علی‌علیه‌السلام همانند شجاعت، وفاداری، پرهیزکاری، دانش عمیق حضرت نسبت به قرآن و سنت، امامت ایشان، محافظت از پیام وحی، برخورداری از علم تأویل قرآن و قرآن ناطق بودن؛ ت- پرهیز از یک جانبه‌گرایی و اشاره به برخی دیدگاه‌های شیعه و اهل‌سنت درباره حضرت علی‌علیه‌السلام؛ این نقاط قوت، آن را در شمار مقالات خوب دائرةالمعارف لایدن درآورده است.

۲-۲-۲. چالش‌های مدخل

این مدخل، بر اساس معیارهای علمی، به چالش‌هایی از حیث ساختاری و محتوایی، به شرح زیر دچار است:

۲-۲-۲-۱. تحلیل انتقادی ساختار مدخل

هر نوشتار علمی اعم از مدخل‌های دایرةالمعارف، کتاب و مقاله، متناسب با معیارهای ساختاری خاصِ آن پژوهش، ارزشیابی می‌شود. از این رو، مدخل علی‌علیه‌السلام با سنجه ساختار متداول دائره‌المعارف مورد تحلیل و نقد، قرارمی‌گیرد:

۲-۲-۲-۱-۱. عدم بررسی پیشینه

نویسنده مدخل، بر خلاف روش مرسوم، از ارایه پیشینه موضوع، خودداری نموده‌است و اشاره‌ای به مقالات یا نگاشته‌های دائرةالمعارف‌های پیش از خود در این زمینه ننموده است که تفاوت یا نوآوری کار وی مشخص گردد.

۲-۲-۲-۱-۲. عدم به کارگیری روش‌های مناسب

پروفسور علی آسانی، در مدخل علی‌علیه‌السلام، به دو روش نقلی - تاریخی در اسناد-دهی مطالب و روش نقلی- برون متنی در روایات، بسنده کرده است؛ در حالی که این دو، روشی جامع و احسن، در نگارش این مدخل نیست؛ زیرا با توجه به ابعاد

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

شخصیتی حضرت علی(ع) و گوناگونی و تنوع آنها، به روش‌های دیگری همچون روش توصیفی، روش تحلیلی و روش مقایسه‌ای و تطبیقی در استخراج مطالب متقن، تحلیل، مقایسه و داوری، نیاز است. شاید به همین علت است که نویسنده، بدون تفکیک فرقه‌های شیعه، مطالبی را به شیعه نسبت می‌دهد که از سوی یکی از فرقه‌ها، ابراز شده و نزد فرقه‌های دیگر، مطرود است؛ این در حالی است که فرقه‌ای که از نام شیعه، در نزد علمای جهان اسلام و اندیشمندان مستشرق، متبادر می‌شود، شیعه امامیه است؛ به عنوان نمونه، اتهام قول به تحریف قرآن موجود و عدم به رسمیت شناختن مصحف عثمانی و تطور این اندیشه را به‌طور کلی به شیعه، نسبت می‌دهد. در صورتی که اکثر قریب به اتفاقِ عالمان شیعه امامیه، از ابتدا تاکنون به تأسی از اهل‌بیت (علیهم‌السلام) مصحف موجود را بدون وجود هیچ‌گونه تحریفی به رسمیت شناخته‌اند و تمامی تفاسیر نگاشته‌شده توسط مفسران شیعه از قرون اولیه تا دوران معاصر، بر اساس مصحف عثمانی به رشته تحریر درآمده‌است.

۲-۲-۲-۱-۳. عدم استناددهی به منابع معتبر و دست اول

اعتبارسنجی و برآوردِ ارزشی یک مقاله علمی، بستگی به میزان مراجعه و استناددهی به مآخذ معتبر اولیه مرتبط به موضوع دارد؛ نخستین، مهم‌ترین و متقن-ترین منبع، قرآن کریم و روایات نبوی است؛ ولی نویسنده مدخل، مراجعه غیر قابل قبول و کمی و در نتیجه استناددهی به آیات قرآن، روایات نبوی و تفاسیر متقن شیعی داشته‌است و این کاستی، در عدم جامعیت مطالب مدخل، مشهود است. شایسته می‌بود نگارنده، در جهت تکامل مطالب خویش به متن قرآن و روایات توجه بیشتری می‌نمود.

افزون بر آن، تحقیق و قلم زدن پیرامون معارف و اندیشه‌های پیروان یک مذهب و آشنایی با سیما و سیره بزرگان آن، می‌بایست با مراجعه و استناددهی به کتاب‌های

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

معتبر و پذیرفته شده آن مذهب، صورت پذیرد؛ نویسنده مدخل در بیان عقاید و نگرش شیعه به مصحف امام علی و مصحف عثمانی، به منابع اصیل شیعی، مراجعه و استناددهی نداشته است. نگارنده می‌توانست با جستجو حتی در سایت‌های معتبر شیعی در فضای مجازی به فهرست و متن منابع اصیل شیعه امامیه دست یابد این در حالی است که اعتبار مدخل دائرةالمعارفی به استناددهی به منابع اصیل و دست اول است، اما بر خلاف انتظار، وی در نقل مطالب، صرفاً با مراجعه به منابع اهل سنت و انبوهی از مقالات و منابع مستشرقان، از جمله گلدزیهر، کلبرگ و جی الیش اکتفا نموده‌است. به عنوان نمونه، در مورد ادعای انکار اعتبار شرعی مصحف عثمانی در منابع متقدم شیعه، آن را به مقاله «جمع قرآن» همان دائرةالمعارف، ارجاع داده است. این انتسابِ بدون استناد به منابع اصیل شیعی، در مقالات «تشیع و قرآن» و «قرآن» نیز تکرار شده است. (کریمی، ۱۳۹۱: ۱۳۸-۱۰۳) و این‌گونه استناددهی به مدخل‌های دیگر دائرةالمعارف، نشان‌گر میزان هم‌آوایی سایر مقالات دائرةالمعارف لایدن با یکدیگر در این زمینه‌است که در بخش بعدی مقاله، به‌طور مبسوط به آن پرداخته خواهد شد.

۲-۲-۲-۲. چالش‌های محتوایی

مدخل امام‌علی علیه‌السلام در دائرةالمعارف، به چالش‌های محتوایی فراوانی، دچار است:

۲-۲-۲-۲-۱. عدم جامعیت

شاید مهم‌ترین چالش را بتوان عدم جامعیتِ ناشی از نبودِ توجه و اشاره به نص آیات و روایات است؛ نویسنده بسیاری از فضائل و مقامات شامخِ علی علیه‌السلام که در منابع فریقین، به وفور یافت می‌شود، را بیان ننموده و به برخی از آنها، هیچ اشارتی نکرده است.

۲-۲-۲-۲-۲. اجمال و اختصارگویی

نویسنده، تنها در حد دو صفحه از دائرةالمعارف، با خلاصه‌گویی مخل، به معرفی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

اجمالی ابعاد گوناگون شخصیت حضرت علی علیه‌السلام و نگاه شیعیان، اکتفا نموده‌است و بدون ارائه سیمای کاملی از وجوه شخصیتی، نقش‌های تأثیرگذار تاریخی، رویکرد و عملکرد آن حضرت، نگارش خود را به پایان برده است در صورتی‌که وی محدودیتی در نگارش این مقاله نداشته است. براین اساس، شایسته بود نویسنده وقتی به محتوای روایاتی همچون حدیث غدیر، اشاره می‌کند، به‌جای اشاره تلویحی به محتوای حدیث غدیر، به بخش یا بخش‌هایی از نص حدیث متواتر غدیر، تصریح می‌نمود که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در آن خطبه فرموده‌اند: «...مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِی مَوْلَاهُ... » (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۹۴/۱) «هر کس من مولا و سرپرست او هستم؛ پس علی مولا و سرپرست اوست» و بر اساس آن، به امامت حضرت علی علیه‌السلام بدین معنا که پس از وفات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، رهبری امور دنیوی و معنوی جامعه اسلامی را [لااقل برابر عقیده شیعه] عهده‌دار می‌باشد، اشاره‌ای می‌کرد و به عنوان یک مسلمان اهل-سنت آگاه به منابع معتبر روایی آنها، برای جامعیت، اتقان و ارتقای سطح و ارزش‌بخشی علمی به پژوهش خویش، لااقل به برخی منابع روایی اهل‌سنت، استناد می‌نمود و به برخی از آنها، ارجاع می‌داد. به نظر می‌رسد آسانی می‌توانست در این زمینه، به حدیث معروف منزلت، از منابع فریقین نیز اشاره‌نماید که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خطاب به امیرالمومنین علیه‌السلام فرمودند: «يا عَلِی أَ مَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّی بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِی بَعْدِی» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۶: ۴۰۷؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۹۲/۱) «ای علی، نسبت تو با من، همانند نسبت هارون به موسی است، تنها فرقش این است که دیگر بعد از من، پیغمبری نخواهدبود.» همچنین شایسته بود نویسنده مدخل، به فضایل یا برترشماری آن حضرت نسبت به سایر صحابه در روایات اهل‌سنت، اشاره یا ارجاع می‌داد. همچون از احمد بن حنبل، نقل شده است: «ما جاءَ فی أَحدٍ، مِنَ الفَضائِلِ ما جاءَ فی عَلی» (کراجکی،۱۴۲۷: ۵۳)؛ «آن مقدارکه روایت‌های صحیح و درست در فضایل

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

علی علیه‌السلام، آمده‌است، در فضایل هیچ یک از صحابه، نیامده‌است». یا در مقام تبیین اعتقادات شیعی، به روایات شیعی استناد می‌جست؛ همانند روایت ابن عباس که در مورد دانش امام‌علی می‌گوید: «عَلِی عُلِّمَ عِلْماً عَلَّمَهُ رَسُولُ اللَّهِ وَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَّمَهُ اللَّهُ فَعِلْمُ النَّبِی مِنْ عِلْمِ اللَّهِ وَ عِلْمُ عَلِی مِنْ عِلْمِ النَّبِی وَ عِلْمِی مِنْ عِلْمِ عَلِی وَ مَا عِلْمِی وَ عِلْمُ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ فِی عِلْمِ عَلِی إِلَّا كَقَطْرَةٍ فِی سَبْعَةِ أَبْحُرٍ» (مجلسی،۱۴۰۳: ۸۹ /۱۰۵) «دانش من و دانش همه اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، در برابر علم علی علیه‌السلام نیست، مگر همانندِ قطره‌ای در مقابل هفت دریا».

نمونه دیگر، وی به برخورداری امام علی علیه‌السلام از دانش تأویل، تصریح کرده و بدون ارایه هیچ توضیحی در مورد آن، در می‌گذرد در حالی که می‌توانست مستندات روایی آن را ذکر نماید، همچون روایت: «إِنَ لِلْقُرْآنِ تَأْوِيلًا فَمِنْهُ مَا قَدْ جَاءَ وَ مِنْهُ مَا لَمْ يجِئْ فَإِذَا وَقَعَ التَّأْوِيلُ فِی زَمَانِ إِمَامٍ مِنَ الْأَئِمَّةِ عَرَفَهُ إِمَامُ ذَلِكَ الزَّمَانِ» (صفار، ۱۴۰۴: ۱۹۵/۱) «همانا قرآن را تأویلی است که برخی از آن، سپری شده و برخی هم هنوز نیامده؛ پس موقعی که تأویل در زمان امامی از امامان واقع شود، امام آن را بشناسد» یا بدون آوردن متن روایات، لااقل به منابع روایی ارجاع دهد. این اجمال زیان‌آور و گزیده‌گویی اخلال‌آفرین در معرفی امام‌علی علیه‌السلام، از چالش‌هایی است که به دلیل امکان تفصیل و ذکر و ارجاع افزون‌تر، کمی عجیب می‌نماید.

۲-۲-۲-۲-۳. عدم معرفی امام علی علیه‌السلام از منظر قرآن

علی آسانی در انتهای مدخل، حضرت علی علیه‌السلام را به عنوان «قرآن ناطق» معرفی نموده‌است (آسانی، ۲۰۰۱: ۱/ ۶۳) و در برشماری فضائل آن حضرت، ایشان را عالم به معارف قرآن و سنت، شناسانده است که نشانگر ارتباط وثیق آن حضرت با قرآن است، اما هیچ اشاره‌ای به رابطه قرآن با آن حضرت ننموده است و از معرفی حضرت علی علیه‌السلام از منظر قرآن، سر باز زده است؛ با آن که وی، به عنوان یک

اندیشمند اهل سنت، از کتاب «شواهدالتنزیل لقواعدالتفضیل» حاکم حسکانی از علمای برجسته قرن پنجم اهل‌سنت که در معرفی و تبیین شخصیت حضرت علی علیه‌السلام نگاشته شده، مطلع بوده‌است؛ کتابی که در آن، ۲۰۹ آیه در شأن حضرت علی علیه‌السلام معرفی شده است. (حسکانی، ۱۴۱۱: ۴) گفتنی است برخی از این آیات، به‌طور انحصاری در شأن علی بن ابی‌طالب نازل شده است که بیان کننده فضائل انحصاری آن حضرت می‌باشد همانند: آیه ۲۰۷ سوره بقره که معروف به آیه لیلةالمبیت است که از مفسران شیعه و بسیاری از مفسران و اندیشمندان، اهل‌سنت، نقل شده‌است که نزول این آیه در شأن علی بن ابی‌طالب را، حتمی و مورد اتفاق دانسته‌اند. (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا: ج۲/ص۴۸؛ میبدی، ۱۳۷۱: ج۱/۵۵۴؛ رازی، ۱۴۲۰: ۳۵۰/۵؛ قمی،۱۳۶۷: ۷۱/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۳۵/۲؛ شیبانی، ۱۴۱۳: ۲۷۸/۱) و برخی از آن آیات که با خطاب ﴿یا أَیهَا الَّذینَ آمَنُوا...﴾ آمده، مصداق اتم و بارز آن، به عنوان اولین مؤمن، حضرت علی (علیه‌السلام) معرفی شده‌است. (عیاشی، بی‌تا: ۲۸۹/۱)

آسانی حتی به آیات دال بر امامتِ علی علیه‌السلام در قرآن، اشاره نیز ننموده است و در مورد آیه ۳ سوره مائده: ﴿... الْیوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیکُمْ نِعْمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دیناً... ﴾ (مائده/۳) امروز برای شما دینتان را کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم (با ولایت علی) خشنود شدم که اسلام دین شما باشد. به اجماع شیعه و برخی از علمای اهل‌سنت (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷۳/۵؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۰۰/۱) در مورد واقعه غدیر و امامت حضرت علی نازل شده‌است، سکوت پیشه کرده است. نیز در مورد آیه ۶۷ سوره مائده: ﴿یا أَیهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَه...﴾ (مائده/۶۷) که دستور ابلاغِ امامت علی علیه‌السلام را در بر دارد و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پس از آن، حضرت علی علیه‌السلام را به‌عنوان امام معرفی نمودند، (شیبانی، ۱۴۱۳: ۲۳۴/۲؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۲۷/۳) هیچ سخنی نه در جهت تأیید یا نفی، بیان نداشته است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

۲-۲-۲-۲-۴. معرفی امام علی علیه‌السلام به‌عنوان پیشوای تصوف

آسانی در این مدخل، علی رغم برخورداری از مطالعات گسترده و تخصصی در زمینه تصوف، فرقه اسماعیلیه و عرفان، هم‌آوا با انگاره مستشرقان وگمان برخی از مسلمانان، همبستگی میان تصوف و تشیع را، امری مسجل، پنداشته و امام علی علیه‌السلام را به‌عنوان «شخصیت برجستهٔ سنت‌های باطنی، از جمله تصوف، به شمار آورده است. (آسانی، ۲۰۰۱: ۶۲/۱) اگر چه انگاره خطایِ عدم تفکیک میان عرفان ناب توحیدی و جریان صوفی‌گرای بدعت‌آمیز خانقاهی، و استناد دادن ظهورِ جریان تصوف از اندیشه اسلامی و همبستگی آن با دین اسلام و به‌زعم برخی تشیع، در میان غالب مستشرقان و برخی مسلمانان، رواج دارد و علل و عوامل این خطای بزرگ؛ اظهارات و انتساب‌های خود تصوف برای مشروعیت و حفظ پایگاه خویش و معرفی نمودن امام علی علیه‌السلام به عنوان سر سلسله تصوف و انتساب سلوک باطنی و روش عرفانی خود به آن حضرت و دیگر امامان اهل بیت علیهم‌السلام و تبلیغات گسترده آنان از قرن هشتم تاکنون در این زمینه است که سبب پدید آمدن این اشتباه در میان افراد مسلمان و مستشرقان شده است؛ این انگاره غلط، به گونه‌ای انبوهی یافته‌است که مستشرقان، نقطه اتصال و همبستگی تشیع و تصوف را موضوع «ولایت» می‌دانند (الهامی، ۱۳۷۸: ۳)؛ در حالی که مراجعه کوتاهی به روایات شیعی، می‌توانست نویسنده مدخل را از این پندار نادرست، دور سازد و به جداسازی عرفان ناب شیعی، از جریان تصوف بدعت‌آمیز رهنمون سازد؛ زیرا روایات متعددی در مذمت صوفیه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام در روایات شیعی وجوددارد. به عنوان نمونه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خطاب به اباذر، در مورد پیش‌بینی شکل‌گیری این جریان، چنین نقل شده‌است: «يا أَبَا ذَرٍّ، يكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يلْبَسُونَ الصُّوفَ فِي صَيفِهِمْ وَ شِتَائِهِمْ، يرَوْنَ أَنَّ لَهُمُ الْفَضْلَ بِذَلِكَ عَلَى غَيرِهِمْ، أُولَئِكَ يلْعَنُهُمْ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (طوسی، ۱۴۱۴: ۹)؛

ای اباذر در آخرالزمان قومی خواهند آمد که در سرما و گرما، پشمینه می‌پوشند و این عمل را فضیلتی برای خویش بر دیگران می‌دانند، اما ملائکه آسمان‌ها و زمین این قوم را لعنت می‌کنند. همچنین از امام رضاعلیه‌السلام چنین نقل شده‌است: «مَنْ ذُكِرَ عِنْدَهُ الصُّوفِيَّةُ وَ لَمْ يَنْكِرْهُمْ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ فَلَيسَ مِنَّا وَ مَنْ أَنْكَرَهُمْ فَكَأَنَّمَا جَاهَدَ الْكُفَّارَ بَيْنَ يدَى رَسُولِ اللَّهِ» (قمی، ۱۴۱۴: ۱۹۷/۵) کسی که نزد او از صوفیه سخن گفته شود و او آن‌ها را به زبان و قلبش، انکار نکند از ما نیست. گفتنی است این تحلیل انتقادی به معنی نفی معنویت‌گرایی ولائی ناب اسلامی نیست؛ بلکه به معنای لزوم جداسازی و تفکیک محققانه جریان صوفیه از آن است؛ زیرا معنویت ولایی و عرفان ناب شیعی که از معنویت، ارشاد و روش سیر و سلوکی ائمه معصومینعلیهم‌السلام، نشأت گرفته و عارفانی واصل را تربیت نموده، به طور کلی، با جریان تصوف و مناسک ساختگی و آداب من درآوردی آنها، متفاوت، بلکه در تقابل و تضاد است. بر این اساس، معرفی امام علیعلیه‌السلام به عنوان شخصیت برجسته باطنیه و تصوف، در این مدخل، سخنی دور از واقعیت و برکنار از دقتِ بایسته تحقیق است.

۲-۲-۲-۲-۵. عدم به‌کارگیری لفظ «شهادت» در گزارش رحلت

در این مدخل، گفته شده: «پس از درگذشت او امامت به فرزندان وی رسید.» (آسانی، ۲۰۰۱: ۶۳/۱) این تعبیر، از نظر واقعیت‌نمایی، دچار چالش جدی است؛ زیرا با توجه به این که نویسنده مدخل، به‌عنوان یک مسلمان آشنا با فرهنگ قرآن و روایات، با تفاوت بار معنایی درگذشت و شهادت، آشناست و افزون بر آن، در حال گزارش این مطلب، بر طبق آموزه‌های شیعی است، به کارگیری لفظ «درگذشت» برای توصیف رحلت آن حضرت، واژگانی نامناسب و نامطلوب است؛ چون واژه‌های مرگ و درگذشت برای فردی به کار می‌رود که به مرگ طبیعی از دنیا رفته باشد، در حالی است که حضرت علیعلیه‌السلام در محراب عبادت به «شهادت»

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

رسید و هرگز این توجیه را نمی‌توان پذیرفت که نویسنده مدخل، به جهت نامأنوس بودن نزد او یا دیگران، از به‌کارگیری تعبیر شهادت خودداری نموده است؛ چون وی به عنوان یک مسلمان مستشرق و نیز خوانندگان این دائرةالمعارف تخصصی، با فرهنگ «شهادت» و کلمه «شهید»، آشنا هستند.

۲-۲-۲-۲-۶. اطلاق ناصحیح «امام صامت» بر قرآن

در این مدخل می‌خوانیم: «امامان شیعه که عالی‌ترین مرجع تفسیر وحی الهی‌اند، معمولا «قرآنِ ناطق» خطاب شدند و خود متن قرآن، «امام صامت» نامیده شده است.» (آسانی، ۲۰۰۱: ۶۳/۱) به نظر می‌رسد که عدم مراجعه وی به کتب روایی شیعه، یا عدمِ دقت، موجب کاربردِ نادرست اصطلاح «امام صامت» به جای عبارت صحیح «کتابِ صامت» شده است؛ زیرا امام علی علیه‌السلام در جنگ صفین، خطاب به کسانی که قرآن‌ها را بر سر نیزه نموده بودند و شعار «لا حُکمَ اِلا لِله» می‌دادند و خواهان حکمیت قرآن بودند، فرموده‌اند: «هذا کتابُ اللهِ الصامِت وَ أَنا کِتابُ اللهِ الناطِق» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۴/۲۷) «قرآن، کتابِ ساکت خداوند و من، کتابِ ناطق خداوند هستم.» ولی هیچ‌گاه، در هیچ یک از منابع اسلامی و روایی، «امامِ صامت» به متن قرآن، اطلاق نشده‌است؛ بلکه در روایات، تعبیر «امامِ صامت» فقط به امامی اطلاق شده است که همزمان با امام پیشین خود، زیست می‌کند؛ به عنوان نمونه شیخ کلینی به سند صحیح از حسین بن ابی‌العَلاء نقل می‌کند: «قُلتُ لِأبی عَبدِالله علیه‌السلام: تَکُونُ الارضَ لَیسَ فِیهَا إِمَامَ؟ قَالَ لَا. قُلتُ یَکُونُ إِمَامَانِ؟ قَالَ: لَا إِلَّا وَ أَحَدُهُمَا صَامِت» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۳۳/۱) به امام صادق علیه‌السلام گفتم: آیا زمین می‌تواند بدون امام باشد؟ فرمود: خیر. گفتم همزمان دو امام می‌توانند باشند؟ فرمود خیر مگر آن که یکی از آن دو، صامت باشد.» به نظر می‌رسد در این‌گونه روایات، «صامت» به معنای فرمان ندادن و عدم مداخله در امور رهبری امام پیشین است و این حالت، تنها زمانی اتفاق می‌افتد که دو امام،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

در یک عصر، به‌طور همزمان، در قید حیات باشند ولی یکی زعامت را بر عهده داشته‌باشد و دیگری از او متابعت می‌کند، همانند زیستِ هم‌زمان امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام در یک عصر. بدینسان اطلاقِ امامِ صامت بر قرآن، کاربردی ناموجه و غیرمنطبق بر روایات شیعی است.

۲-۲-۲-۲-۷. انگاره ناصواب در تطور عقیده شیعه نسبت به مصحف امام‌علی علیه‌السلام و مصحف عثمانی

مدخل کوتاه امام‌علی علیه‌السلام، بحث مبسوطی در رابطه با رویکرد شیعه نسبت به قرآن را در خود، جای داده‌است. نویسنده مدخل، همسو با برخی از مستشرقان، (گلدزیهر، ۱۳۸۳: ۲۵۱-۲۴۸)، رویکرد شیعیان به مصحف علی علیه‌السلام و مصحف عثمانی را به دو بازه زمانی؛ قبل از قرن چهارم و بعد از آن، تقسیم‌بندی نموده و اظهار می‌دارد که تا قبل از قرن چهارم، شیعیان به تحریف قرآن، باور داشتند چون شیعیان قائل به این امر بودند که عثمان (خلیفه سوم)، آیاتی از آن را که حاوی نام علی علیه‌السلام و دیگر امامان اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده را از قرآن حذف نموده و مصحف عثمانی، جایگزین مصحف علی علیه‌السلام که حاوی نام آن حضرت و امامان دیگر بوده، شده‌است و بر مبنای روایات شیعه، مصحف امام‌علی، به‌طور مخفیانه در اختیار امامان معصوم قرارگرفت که در زمان امام دوازدهم، مندرجات آن بر جهانیان آشکار خواهدشد. وی تفاوت دیگر مصحف علی علیه‌السلام با مصحف عثمانی را در ترتیب سوره‌ها و آیات و اندراج تفسیرهای علی علیه‌السلام در ذیل آیات، دانسته و آن را از هر نوع تحریف به زیاده، مصون معرفی کرده‌است. به زعم آنان، شیعیان از قرن چهارم به‌بعد، از عقیده خود بازگشت نموده و صحت اعتبار مصحف عثمانی در قرن چهارم توسط علمای شیعه تأیید شده است. (آسانی، ۲۰۰۱: ۶۳/۱)

به نظر نگارندگان این پژوهه، متطور دانستن عقیده شیعه، نسبت به قرآن و اذعان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

شیعیان به مصحف عثمانی با وقفه چهار قرنی، تنها می‌تواند از سویه‌گیری و پیش فرض‌های ذهنی آسانی، سرچشمه گرفته باشد؛ زیرا بر اساسِ شواهد قرآنی، دلایل تاریخی و روایات، هرگز نام امامان در متن آیات قرآن کریم، نیامده‌است به عنوان نمونه در صحیحه ابابصیر که از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: «مردم می‌گویند که چرا نام علی و اهل بیتش در کتاب خدا، نیامده است» امام پاسخ دادند اساساً سبک قرآن چنین نیست. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸۸/۱)، بر این اساس، استناد این انگاره، به شیعه صحیح نیست و ادعای محدث جزائری و نوری در مورد وجود نام مبارک ایشان در قرآن، از سوی محققان، مردود شمرده شده است. (محمدی آشنانی، ۱۳۹۹: ۲) افزون بر آن، استناد عدم اعتبار مصحفِ عثمانی به شیعیان، امری خلاف واقعیت است؛ زیرا روایات و تاریخ به خوبی روشن می‌سازد که ائمه و پیروان صادق آنان، هرگز قرآن عثمانی را زیر سؤال نبرده‌بودند و کاملاً آن را معتبر می‌شمردند؛ به سند صحیح از امام علی علیه‌السلام، نقل شده است: «فواللّه مافعل الّذی فعل فی‌المصاحف، إلّا عن ملاء منّا»؛ به خدا سوگند، عثمان در مورد مصاحف، به‌جز با مشورت و همراهی ما، کاری انجام نداد» این روایت، نشانگر آن است که امام علی و شیعیان آن حضرت، از همان ابتدا، صحت اعتبارِ مصحف عثمانی را تأیید نمودند. دستیابی به‌این روایت و روایات مشابه آن که در منابع علوم و تاریخ قرآن اهل‌سنت و شیعه انعکاس‌یافته، (سیوطی، بی‌تا: ۲۹۰/۱؛ هاشمی‌خویی، بی‌تا: ج۲۶۹/۱۶) برای نویسنده مدخل، میسر بوده‌است؛ لذا استناد نپذیرفتن مصحف عثمانی به شیعیان، ناپذیرفتنی است.

بعلاوه تصریح آسانی به‌این که «امام علی، مسئولیت حفظ و نگهداری پیام الهی را بر عهده داشتند.» (آسانی، ۲۰۰۱: ۶۳/۱) و عدم تغییر دادنِ مصحف عثمانی در زمان حکومت خود، نشان‌دهنده تأیید و تقریرِ عملی آن حضرت نسبت به مصحف عثمانی است. افزون بر آن، اگر عثمان اقدام به حذفِ آیاتِ بیانگر فضلیت امام علی

می‌نمود، یقیناً به خاطر تحریف قرآن، مورد هجمه مخالفانش قرار می‌گرفت در حالی که چنین نشد. (خوئی، بی‌تا: ۲۱۸) افزون بر موارد پیشین، عالمان شیعی از ابتدا، تاکنون بر عدم امکان تحریف قرآن، اتفاق نظر داشته‌اند و با صراحت و به‌آشکار، پیراستگی قرآن از هر نوع تحریفی را اعلام کرده‌اند. به همین جهت بسیاری از اندیشمندان اهل‌سنت نیز به مبرا بودن شیعه از اتهام تحریف قرآن، اذعان نموده‌اند. (معرفت، بی‌تا: ۲) بر این اساس، نویسنده مدخل، می‌توانست رویکرد «انتساب تحریف به کاستی به خلیفه سوم» را برگرفته از اندیشه غلات (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۵/۱۳) و نظرِ شاذ دو محدث؛ جزائری و نوری (نوری، بی‌تا:۲۰۸-۱۸۴) معرفی‌نماید که گزارشِ واقعیت می‌بود؛ هرچند، محدث نوری نیز پس از نگارش کتاب «فصل‌الخطاب فی تحریف کتاب رب‌الارباب»، مورد اعتراض شدید اندیشمندان شیعی قرارگرفت، به گفته شیخ آقا بزرگ تهرانی، شاگرد نزدیک وی، از نامگذاری فوق، پشیمان شد: «از استادم محدث نوری شنیدم که می‌گفت: من در این کتاب کوشیدم تا اثبات کنم که قرآن موجود، همان است که در دوران عثمان جمع‌آوری شده و در آن تغییر و تبدیلی که در کتاب‌های پیشین تحقق‌یافته، رخ نداده‌است، از این رو بهتر بود آن را «فصل‌الخطاب فی‌عدم تحریف‌الکتاب» گویند در حالی‌که عنوان «فصل‌الخطاب فی تحریف الکتاب» مردم را در یافتن مراد من، به اشتباه انداخته‌است. (آقابزرگ طهرانی، بی‌تا: ۲۲/۱۰) از سوی دیگر، ادعای تغییر موضع شیعیان در مورد مصحف عثمانی بعد از قرن چهارم نیز، ادعایی بدون مستند است که در هم‌آوایی با سایر مکتوبات مستشرقین صورت پذیرفته است. البته مستشرقین منصفی نیز وجود دارند که از اساس، تشیع را از اتهام تحریف، مبرا می‌دانند. (قرائی سلطان‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۳۶-۱۰۷)

به علاوه، اندیشمندان شیعه، روایاتی که حاوی نام حضرت علی و عبارت «فی علی» هستند، از قبیل اضافات تفسیری و بیانگر شأن نزول یا بیان مصداق و مقصود

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

آیه دانسته‌اند همانند آن‌چه در ما بین آیه ﴿یا أَیهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللَّهُ یعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لا یهْدِی الْقَوْمَ الْكافِرِین﴾ (مائده/۶۷) نقل شده‌است.(بلاغی‌نجفی، ۱۴۲۰: ۷۰/۱) یا روایتی که در درالمنثور سیوطی از ابن مسعود وجود دارد: «كُنَّا نَقْرَأُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛ یا أَیهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیكَ مِنْ رَبِّكَ - أَنَ عَلِیاً مَوْلَى الْمُؤْمِنِینَ - وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ...» (سیوطی، بی‌تا: ۱۱۷/۳)، این روایات، از نگاه حدیث‌پژوهان شیعی، از روایاتی است که صحابه در تفسیر آیه ۶۷ سوره مائده، نقل نموده‌اند و برخی گمان برده‌اند که جزء نص قرآنی است؛ در صورتی که از نوع روایاتِ بیان‌کننده اختلاف قرائات، یا بیانگرِ مقصود است. (عسگری، ۱۴۱۶: ۱۹۷/۲).

۲-۲-۳. سنجش هم‌آوایی مدخل با مکتوبات استشراقی و اسلامی

مدخل علی علیه‌السلام، در پاره‌ای موارد، از هم‌آوایی نسبتا خوبی با نص قرآنی و روایات اسلامی، منابع تاریخی و کتب کلامی شیعه، برخوردار است، اما در پاره‌ای موارد نیز بر اساس گمان‌های خطا و آرای غیرمستند مستشرقان، نگاشته شده‌است. در این بخش، با خوانش منابع گوناگون اسلامی و استشراقی، به اختصار، میزان هم-آوایی نظرات علی‌سلطان آسانی از مکتوبات اسلامی- استشراقی مورد بررسی و تحلیل، قرارمی‌گیرد:

۲-۲-۳-۱. میزان هم‌آوایی با نگاشته‌های استشراقی

در دایرةالمعارف لایدن، همراه با مدخل امام «علی علیه‌السلام» مدخل‌های متعددی نگاشته شده‌است که مرتبط با قرآن، شیعه و خانواده پیامبر ﷺ می‌باشد که وجوه مشترک زیاد و هم‌آوایی‌های فراونی میان آنان مشهود است که به بررسی و تحلیل آن، پرداخته می‌شود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

۲-۲-۳-۱-۱. هم‌آوایی در محتوا و تعبیر

مدخل امام‌علی علیه‌السلام، با مدخل‌های دیگر لایدن، هم‌آوایی فراوان و معناداری دارد؛ استنادات و ارجاعات فراوانی که در درون متن و در انتهای نگاشته‌های این مدخل، به سایر مدخل‌های هم‌خانواده، به خوبی نشان‌دهنده وجوه و فراوانی هم‌آوایی آن، با سایر مکتوباتِ مستشرقین، از لحاظ محتوا، تعبیر و منابع است؛ از آن جمله، مدخل «تشیع و قرآن»، دایرةالمعارف لایدن، به قلمِ بارآشر، است. نخستین هم‌آوایی این دو نگاشته، در انتساب ادعای تحریف به کاستی قرآن و عدم اعتبار شرعی مصحف عثمانی به شیعه در قرون اولیه است که در هر دو مدخل، تکرار شده است؛ با این تفاوت که علی‌سلطان آسانی این تحریف را از قول شیعه به عثمان ولی بارآشر، این تحریف‌گری به کاستی را به خلفا، نسبت داده‌است و منشأ این حذف بخش‌های قرآن را رویکردگرایش‌های سیاسی ویراستاران، در جمع‌آوری قرآن می‌داند. (بار آشر، ۲۰۰۶: ۴ /۵۹۳) همچنین هر دو نویسنده، هم‌آوا با یکدیگر، به مشی میانه دانشمندان شیعه قرن چهارم در اعتقاد به تحریف قرآن، تفوه کرده‌اند با این تفاوت که به زعم بارآشر، شیعیان این دوره، تحریف قرآن را به طور صریح مطرح ننمودند؛ اما همچنان به تحریف به نقیصه معتقد بودند. ادعای انکار اعتبار مصحف عثمانی نزد شیعیان در مدخل «قرآن»، اثر چارلز جوزف آدامز» (آدامز، ۲۰۰۰: ۲۳۶/۲) و نیز در مدخل «جمع قرآن» اثر جان برتون نیز حذف آیات مربوط به اهل بیت علیهم‌السلام توسط عثمان، (برتون،۲۰۰۲: ۳۵۴/۲) در مدخل‌های گوناگون دایرةالمعارف لایدن وجود دارد که هم‌آوایی داخلی مکتوبات آن را نشان می‌دهد.

گفتنی است افزون بر این هم‌نوایی درونی، نگاشته‌های پیش‌گفته، با دیدگاه گلدزیهر، به عنوان یک مکتوب استشراقی مستقل، هم‌آوا است که شیعه در قرون اولیه، مصحف عثمانی را قبول نداشته است و همواره آن را، رویاروی مصحف

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

علی علیه‌السلام می‌دانسته است. (گلدزیهر، ۱۳۸۳: ۲۸۹) هم‌آوایی محتوایی مقاله علی علیه‌السلام با سایر مکتوبات مستشرقین همچون رژی بلاشر در کتاب «در آستانه قرآن» نیز مشهود است؛ چون بلاشر نیز شیعیان را قائل به تحریف در قرآن شناسانده و دلیل مدعای خود را، اعتقاد شیعه مبنی بر وجود اسامی و اشاراتی از علی و اولاد وی و حذف آنها توسط برخی چون عثمان، دانسته است. (بلاشر، ۱۳۷۸: ۴۷) همچنین هانری ماسیه در کتاب «الاسلام» حذف مقاطع مربوط به اهل بیت از قرآن توسط عثمان و اختفای قرآن منطبق با وحی الهی نزد امامان شیعه و آشکار شدن آن در زمان ظهور امام غائب را به شیعیان نسبت داده است؛ با این تفاوت که آسانی، قائل به این مطلب شده‌است که شیعیان در قرن چهارم موضع خود را نسبت به اعتبار مصحف عثمانی و وجود اضافات تفسیری در مصحف علی علیه‌السلام تغییر داده‌اند. (عسکری، ۱۴۱۶: ۷۹۱/۲) همچنین رابرت موری در کتاب «تهاجم اسلام» که شیعیان را در تحریف قرآن، مقصر می‌داند و به نقل از گیوم، شیعیان را متهم می‌کند به این که به گفته آنان، ۲۵ درصد قرآن در زمان عثمان کنار گذاشته شده است (قرائی سلطان‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۳۶–۱۰۷) این سخنان، همچنین با دیدگاه «نولدکه» در کتاب «تاریخ القرآن» هم‌آوا است که دیدگاه شیعه را، حذف آیات مشتمل بر اسامی اهل‌بیت (علیهم‌السلام) از سوی عثمان، معرفی می‌نماید. به گفته برخی محققان، پیش‌کسوتی نولدکه به‌عنوان یک مستشرق در زمینه قرآن‌پژوهی روشن است؛ از این رو، می‌توان گفت وی در تثبیت مسئله تحریف در اندیشه استشراقی، سهم عمده‌ای داشته است و طریقی را برای طرح تحریف قرآن، گشوده است. (قرائی سلطان‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۳۶–۱۰۷) بدینسان هم‌آوایی درونی و بیرونی ادعای تحریف در مصحف عثمانی، از سوی شیعیان، به خوبی مشهود است و همان‌گونه که در تحلیل و بررسی محتوای مدخل امام‌علی علیه‌السلام گفته شد، این انتساب، به دلایل گوناگون، به هیچ وجه با واقعیت سازگاری ندارد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

مورد دیگر، هم‌آوایی مدخل امام علی با مدخل «تشیع و قرآن» بارآشر در دائرةالمعارف لایدن، اشاره هر دو نویسنده، به اشراف حضرت علی و فرزندانشان (علیهم‌السلام) به فهم باطنی قرآن است؛ با این تفاوت که آسانی، با لحن ملایم‌تری با تأکید بر اعتقاد شیعه نسبت به امامت حضرت علی(علیه‌السلام) و فرزندانش، تأویل قرآن را به عنوان علم خدادادی، به‌این خاندان، معرفی نموده است (آسانی، ۲۰۰۱: ۶۳/۱)، اما بارآشر، با سوگیری خاصی، ادعا می‌نماید که شیعیان معتقدند که حق تفسیر و فهم قرآن، به‌طور انحصاری، مختص حضرت علی و خاندان ایشان است و این انحصار را به‌عنوان یکی از اصول تفسیرِ شیعه مطرح می‌کند و سعی می‌نماید مدعای سابق خویش مبنی بر انتساب تحریف قرآن به شیعیان را اثبات کند. (کریمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۴)

به نظر می‌رسد گزارش مدخل امام‌علی از باورهای شیعی، به واقعیت نزدیکتر است؛ زیرا شیعیان، فهم قرآن و آموزه‌های آن را، برای عمومِ افراد، ممکن و روا می‌دانند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۶: ۵) و بر اساس آیه ﴿لا یَمَسُّهُ إِلاَّ الْمُطَهَّرُون﴾ (واقعه/۷۹) جز پاکان، به {حقایق و اسرار} قرآن، دسترسی ندارند و برابر تصریح آیه (...﴿إِنَّما یرِیدُ اللَّهُ لِیذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیتِ وَ یطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرا﴾ (احزاب/۳) «همانا خدا می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل‌بیت پیامبر خاتم دور کند و شما را کاملاً پاک سازد» که اهل بیت، به اراده الهی، تطهیر یافته‌اند، و امامان اهل بیت را دارای آگاهی کامل به همه حقایق و مراتب معارف قرآن می‌شناسانند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۴۰/۱۶) گفتنی است پاره‌ای از افراط‌گرایان اهل‌حدیث از روایات (انما یفهم القرآن من خوطب به) منحصر بودن فهم قرآن به ائمه را، برداشت نموده و در ذیل آیاتی که روایتی در تفسیر نیامده، سخنی نگفته‌اند (راجانی، مودب، ۱۳۹۷: ۱۱) ولی انتساب دیدگاه آنان، به شیعیان به صورت مطلق، خلاف واقع و روا نیست؛ زیرا روش اغلب مفسران شیعه، تفسیر همه آیات قرآن، بر اساس دیگر آیات قرآن و روایات در صورت وجود، (طباطبایی،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

۱۴۱۷: ۴۳/۶) و دلایل عقلی (مغنیه، ۱۴۲۴: ۹۸/۳) و کشف، شهود و مشاهدات قلبی در تفاسیر عرفانی (تستری، ۱۴۲۳: ۵۹/۱) است. بدین رو، انتساب قول شاذ و نادری از افراط‌گرایانه اهل‌حدیث به شیعیان، توسط بارآشر، سوگیرانه و ناروا است.

مورد سوم معرفی حضرت علی (علیه‌السلام) به‌عنوان یکی از برجستگان تصوف است که مدخل امام علی آسانی آن را هم‌آوا با هانری‌کربن و مقاله تصوف، مطرح ساخته است؛ با این تفاوت که هانری‌کربن، حقیقت تصوف و تشیع را یکی شناسانده‌است. (الهامی، ۱۳۷۸: ۳) در این انگاره، بین عرفانِ حقیقی، با جریان تصوف، تمایزی وجود ندارد درحالی که شیعه همواره در حال پیکار با صوفیه‌ای بوده که با وام‌گیری از نام معصومین، بقا و دوام خود را به ولایتِ آنها، مستند ساخته‌اند ولی با بی‌اعتنایی به معتقداتِ تشیع، طریقتی موازی با طریقت معصومین(علیهم‌السلام) ایجاد نموده‌اند. (شمس، ۱۳۹۹ش، ۵) افزون بر وی، پل‌نویا نیز حضرت علی(علیه‌السلام) را از برجستگانِ تصوف، معرفی‌نموده؛ با این تفاوت که پل‌نویا، با توضیحی مبسوط، صوفیان سده‌های نخستین را متأثر از قرآن کریم، پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، حضرت علی و امام صادق(علیه‌السلام) می‌داند. (نویا، ۱۳۷۳: ۱۳۶) همان‌گونه که گفته شد، این انگاره و انتسابِ نادرست، از عدمِ تفکیکِ میان عرفان ناب توحیدی و جریان صوفی‌گرای بدعت‌آمیز است که در میان مستشرقان و برخی مسلمانان، رواج دارد.

همان‌گونه که ملاحظه شد انگاره‌های نادرست مدخل امام‌علی(علیه‌السلام)، دارای هم‌آوایی بسیار زیادی، با مدخل‌های دیگر دائرةالمعارف لایدن و مکتوباتِ مستقل استشراقی بیرونی را دارد و تفاوت دیدگاه‌ها، بین آنها، کم و جزئی است.

۲-۲-۳-۱-۲. هم‌آوایی و ارجاع حداکثری به منابع استشراقی

مدخل علی(علیه‌السلام) دایرةالمعارف لایدن، از نظر منابع، هم‌آوایی زیادی با مقاله «تحریف» نگاشته «حوا لازاروس یافه» در دایرةالمعارف اسلام، دارد؛ زیرا هر دو مقاله، با بهره‌گیری

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

از یک منبع مشترک به نامِ «یادادشت‌هایی از گرایش امامت شیعه» به قلم «کلبرگ»، به وجود تحریف به نقیصه و حذفِ اشارات قرآنی، به امام علی و اهل بیت علیهم‌السلام، از نظر شیعه تصریح نمودند. (حسنعلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۶۱) همچنین مطالب مدخل امام علی با مدخل‌های «تشیع و قرآن»، «قرآن»، «جمع قرآن» و «تشیع و قرآن» و «تصوف و قرآن» دایرةالمعارف لایدن، هم‌آوایی حداکثری و تفاوت‌های جزئی دارد و با کتبِ استشراقی «تهاجم اسلام» «تاریخ‌القرآن» نولدکه، «در آستانه قرآن» رژی بلاشر «الاسلام» هانری ماسیه و نگاشته‌های گلدزیهر، هانری‌کربن و پل‌نویا، همراهی بسیار زیادی دارد.

۲-۲-۳-۲. میزان هم‌آوایی با مکتوبات اسلامی

مطالب مدخل امام علی علیه‌السلام با منابع روایی، تفسیری و تاریخی شیعی نشان نمی‌دهد و ارجاعی به آنها صورت نپذیرفته‌است؛ به‌عنوان نمونه، کاربردِ نادرست اصطلاح «امام صامت» نسبت به قرآن؛ در حالی این اصطلاح در مورد امامی به‌کار می‌رود که هم‌زمان با امام دیگر زیست می‌کند، نیز انتسابِ شیعه به انگاره تحریف به کاستی در مورد قرآن و عدم اعتبارِ مصحف عثمانی و پافشاری شیعه بر مصحف امام علی علیه‌السلام و تأکید بر تفاوت آن، با مصحفِ عثمانی تا قرن چهارم، هیچ‌گونه هم‌آوایی با منابع اصیل شیعه امامیه ندارد. اما در مواردی، مطالب هم‌آوا با آموزه‌های شیعی،گزارش شده‌است؛ همانند اشاره به امامت حضرت علی علیه‌السلام بعد از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوانِ رهبر امور دنیوی و معنویِ جامعه اسلامی و اشاره به شأن نزول آیات ۳ و ۶۷ سوره مائده و حدیث متواتر غدیر، هر چند نصوص آیات و روایات ذکر نشده است و استنادی به تفاسیر فریقین، نشده است. وی همچنین بر طبق آموزه‌های شیعه، یکی از وظایف امام را مسئولیت حفظ و نگهداری پیام الهی وحی دانسته و به علم الهی آن حضرت در رابطه با تأویل و بطون آیات اشاره

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

می‌کند، (آسانی، ۲۰۰۱: ۶۳/۱) که با متون شیعی، همگونی و همگنی دارد، ولی اثری از ارجاع به منابع تفسیری شیعه امامیه یا روایات در این زمینه‌ها مشاهده نمی‌گردد. به علاوه اشارات وی به دست‌اندازی برخی صحابه نزدیک به پیامبرﷺ، به رهبری جامعه اسلامی، نیز با نقل‌های تاریخی و روایی شیعه، هم‌آوایی دارد.

همچنین هم‌آوایی خاصی با منابعِ اهل‌سنت نیز در آن، مشاهده نمی‌شود. برای نمونه، طبق روایاتِ اهل‌سنت، حضرت علی‌علیه‌السلام در محراب نماز با ضربه شمشیر زهر آلود ابن‌ملجم، در شب نوزدهم رمضان، ضربت خورده و به سبب آن، در شب بیست و یک به لقاء حق پیوستند. (متقی، ۱۴۱۳: ۱۶۴/۱؛ صنعانی، بی‌تا: ۱۰۳؛ ابن‌حنبل، بی‌تا: ۵۵۸/۲) با توجه به سنی‌مذهب بودن نویسنده، وی به آسانی می‌توانست با استناد به منابعِ پیش گفته، شهادت حضرت علی‌علیه‌السلام را گزارش نماید و از کاربستِ واژه درگذشت و مرگ، دوری گزیند. البته شاید بتوان گفت ادعای وی بر سرسلسله بودن حضرت علی نسبت به باطنیه، با برخی از قدیمی‌ترین مکتوبات جریان تصوف که حضرت علی (علیه‌السلام) را از برجستگان و اقطاب متصوفه معرفی نموده، با منابع متصوفه اهل سنت هم‌آوایی دارد. (معصوم شیرازی، ۱۳۳۹: ۱/ ۵۰۴)

نتیجه‌گیری

دایرةالمعارف لایدن، از جدیدترین و به‌روزترین پژوهش‌ها در خصوص اسلام و قرآن است. مدخل امام علی‌علیه‌السلام آن، گرچه دارای نکاتِ مثبتی همچون: ساختار منطقی توأم با نظم حاکم بر مباحث،گزیده‌نویسی و گزارشی بودن مطالب؛ ذکر ویژگی‌ها و فضیلت‌های آن حضرت و صحت گزارش برخی دیدگاه‌های شیعه درباره آن حضرت است، ولی این مقاله، از نظر محتوایی و منابع استنادی، دچار چالش‌های جدی است:

۱) مدخلِ امام علی‌علیه‌السلام از چالش‌های زیادی همانند: ۱. عدم جامعیت وعدم اشاره

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

به نص آیات و روایات ۲. اجمال و اختصارگویی زیان‌آور و اخلال‌آفرین ۳. عدم معرفی امام علی‌علیه‌السلام از منظر قرآن، علی‌رغم شناساندن آن حضرت به عنوان «قرآن ناطق»،۴. معرفی امام علی‌علیه‌السلام به عنوان پیشوای تصوف علی رغم جدایی کامل عرفان ناب شیعی از تصوف و مخالفت امامان اهل‌بیت با آن، ۵. عدم به‌کارگیری لفظ «شهادت» در گزارش رحلت آن حضرت، ۶. اطلاق ناصحیح «امام صامت» بر قرآن علی رغم اطلاق آن اصطلاح بر یکی از دو امامِ هم‌زمان، در روایات شیعی، ۷. گزارش ناصواب در مورد عقیده شیعه مبنی بر اشتمال مصحف امام علی‌علیه‌السلام بر نام و فضایل آن حضرت در متن قرآن ۸. انتساب نادرست مخالفت شیعیان با مصحف عثمانی تا قرن چهارم هجری و تطور این دیدگاه و پذیرش آن مصحف در قرن چهارم است.

۲) مدخل امام علی‌علیه‌السلام، با مدخل‌های دیگر لایدن، همچون مدخل‌های «قرآن»، مدخل «جمع قرآن»، «تشیع و قرآن» و «تصوف و قرآن» همچنین با مکتوباتِ مستقل استشراقی همانند نوشته‌های گلدزیهر، رژی بلاشر، رابرت موری، نولدکه و هانری‌کربن، هم‌آوایی، فراوان و معناداری دارد و استنادات و ارجاعات فراوان آن، به سایر مدخل‌ها، نشان‌دهنده هم‌آوایی حداکثری آن، با سایر نگاشته‌های مستشرقین، از لحاظ محتوا، تعبیر و منابع است و تفاوت محتوایی آنها، بسیار کم و جزئی است.

۳) مدخل علی‌علیه‌السلام، گرچه حاوی مطالب درست در مورد امام علی و معتقدات شیعی است؛ ولی بر خلاف انتظار، در آن، به هیچ‌یک از منابع روایی، تفسیری و تاریخی شیعه، مراجعه نشده و ارجاعی به آنها صورت نپذیرفته است. همچنین هم‌آوایی خاصی با منابعِ اهل سنت نیز در آن، مشاهده نمی‌شود و بیشتر بر اساس گمان‌ها و آرای مستشرقان، نگاشته شده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]

منابع

- قرآن
- آقابزرگ طهرانی، محمد محسن. (بی‌تا). الذریعه الی تصانیف‌الشیعه. نجف: مطبعةالغری.
- ایازی، سید محمدعلی. (۱۳۸۵). سیر تطور تفاسیر شیعه. دانشگاه آزاد اسلامی، تهران: واحد علوم و تحقیقات.
- ابن‌حنبل، احمد بن محمد. (بی‌تا). فضائل‌الصحابه. شیبانی. بی‌جا: دار ابن‌الجوزی.
- اسکندرلو، محمد جواد؛ کاظمی، شهاب؛ حیدری سحر. (۱۳۹۲ش). «نقد و بررسی دیدگاه‌های گلدزیهر پیرامون سبک تفسیر شیعه». دوفصلنامه علمی ترویجی قرآن‌پژوهی خاورشناسان، بهار و تابستان، سال هشتم، ۱۴.
- ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبةالله. (بی‌تا). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبة آیةالله العظمی‌المرعشی‌النجفی.
- ابن بابویه، محمد. (۱۳۷۶). الامالی. تهران: کتابچی.
- الهامی، داود. (۱۳۷۸). موضع تشیع در برابر تصوف در طول تاریخ. قم: مکتب‌الاسلام.
- بلاشر، رژی. (۱۳۷۸). در آستانه قرآن.محمود رامیار. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بلاغی نجفی، محمدجواد. (۱۴۲۰). آلاء الرحمان فی تفسیرالقرآن. قم: بنیاد بعثت.
- تستری، ابومحمد سهل. (۱۴۲۳). تفسیرالتستری. منشورات محمد علی بیضون/ بیروت: دارالکتب‌العلمیة.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). وسائل‌الشیعه. قم: مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام.
- حسینی همدانی، سید محمدحسین. (۱۴۰۴). انوار درخشان. تهران: کتاب‌فروشی لطفی.
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله. (بی‌تا). شواهدالتنزیل لقواعدالتفضیل. اصفهان: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت علیهم‌السلام.
- حسنعلی‌زاده، وحید. (۱۳۹۲). «بررسی وتحلیل انتقادی مدخل تحریف در دایرةالمعارف‌های قرآن و اسلام». دانشکده علوم فنون قرآن کریم تهران.
- خوئی، سید ابوالقاسم. (بی‌تا). البیان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی.
- رازی، فخرالدین. (۱۴۲۰). مفاتیح‌الغیب. بیروت: داراحیاء التراث‌العربی.
- راجانی،کمیل، مؤدب، سیدرضا. (۱۳۹۷). «بررسی تحلیلی حدیث «إِنَّما یَعرِفُ القُرآنَ مَن خُوطِبَ بِه»». دوفصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم. سال هشتم. شماره هجدهم.
- زمانی، محمد حسن. (۱۳۹۵). مستشرقان و قرآن نقد و بررسی آراء مستشرقان درباره قرآن. قم: بوستان کتاب.
- سیوطی، جلال‌الدین. (بی‌تا). درالمنثور فی‌التفسیر بالماثور. بیروت: دارالفکر.
- سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۲۱). الاتقان فی تفسیرالقرآن. بی‌جا: دارالکتاب‌العربی.
- شمس، عاطفه، محسن آزموده. (۱۳۹۹). «تشیع و تصوف از دیدگاه هانری کربن». روزنامه اعتماد.
- شیبانی، محمد. (۱۴۱۳). نهج‌البیان عن کشف معانی‌القرآن. تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
- صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴). بصائرالدرجات فی فضائل آل محمد صلی‌الله‌علیهم. محقق: محسن کوچه باغی، قم: مکتبة آیةالله مرعشی‌نجفی.

– صنعانی، عبدالرزاق بن همام. (بی‌تا). الامالی فی آثارالسحابه. صنعانی. قاهره: مکتبة القرآن.
– طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیرالقرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم.
– طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن. تهران: ناصرخسرو.
– طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴). الأمالی. قم: دارالثقافه.
– عسکری، سید مرتضی. (۱۴۱۶). القرآن‌الکریم و روایات‌المدرستین. تهران: مجمع العلمی الاسلامی.
– عیاشی، محمد بن مسعود. (بی‌تا). تفسیرالعیاشی. تهران: المکتبة العلمیةالاسلامیة.
– قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
– قرائی سلطان‌آبادی، احمد. (۱۳۹۴). «مستشرقان و مسئله تحریف، دوفصلنامه قرآن‌پژوهی خاورشناسان». بهار و تابستان، سال دهم، ۱۸.
–قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). تفسیر قمی. قم: دارالکتاب.
– قمی، عباس. (۱۴۱۴). سفینةالبحار و مدینةالحکم و الآثار معر تطبیق النصوص‌الواردة فیها علی بحار. قم: اسوه.
– کریمی، محمود، سلمان‌نژاد، مرتضی، نیک‌روش، محمد جواد. (۱۳۹۱). «نقد مقاله «تشیع و قرآن» بارآشر در دایرةالمعارف قرآن لیدن». مطالعات قرآن و حدیث، بهار و تابستان ، سال پنجم، ۲.
– کراکجی، محمد بن علی. (۱۴۲۷). الرسالةالعلویة فی فضل امیرالمومنین علیه السلام علی سائرالبریة. قم: دلیل ما.
– کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتاب‌الاسلامیة.
– گلدزیهر، ایگناس. (۱۳۸۳). گرایش‌های تفسیری مسلمانان. سیدناصر طباطبایی. تهران: ققنوس.
– متقی، علی بن حسام‌الدین. (۱۴۱۳). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: مؤسسةالرساله.
– مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: دارالاحیاء التراث‌العربی.
– مکارم‌شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب‌الاسلامیة.
– معرفت، محمدهادی. (بی‌تا). صیانةالقرآن من‌التحریف.علی نصیری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
– مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۶). «امکان جواز فهم قرآن». مجله معرفت. شماره ۱۲۲.
– محمدی آشنانی، علی، محمود خوران. (۱۳۹۹). «بررسی دلایل عدم ذکر نام حضرت علی علیه السلام در قرآن کریم از منظر سبک شناسی بیان مطالب». مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های دینی، شماره ۴۱، پاییز و زمستان.
– مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴). تفسیر الکاشف. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
–مک اولیف، جین دمن. (۱۳۹۶). دائرةالمعارف قرآن لایدن. تهران: حکمت.
– معصوم شیرازی، محمد. (۱۳۸۳). طرائق‌الحقائق. تهران: کتابخانه سنائی.
– میبدی، رشیدالدین. (۱۳۷۱). کشف‌الاسرار و عدةالابرار. تهران: امیرکبیر.
– نویا، پل. (۱۳۷۳). تفسیر قرآنی و زبان عرفانی. اسماعیل سعادت. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
–نوری نوری، حسین بن محمدتقی. (بی‌تا). فصل‌الخطاب فی تحریف کتاب رب‌الارباب. تهران: دانشکدهٔ علوم قرآنی.
– هاشمی خویی، میرزا حبیب الله. (بی‌تا). منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة. مترجم: حسن حسن زاده آملی. محمدباقر کمره‌ای. تهران: مکتبة الاسلامیة.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.4.5]